

بسم الله الرحمن الرحيم

خلاصه خطبه جمعه حضرت امیر المومنین حضرت خلیفه‌المسیح الخامس ایدہ اللہ تعالیٰ بنصرہ العزیز.

سیدنا حضرت خلیفہ المسیح الخامس ایدہ اللہ تعالیٰ بنصرہ العزیز بتاريخ ۲۴ مه ۲۰۱۹ از مسجد مبارک اسلام آباد تلفورد انگلیس خطبه جمعه ارشاد فرمودند که با تراجم در زبانهای مختلف بر ایم تی ای زنده پخش شد. آنحضرت در آغاز سوره النور آیات ۵۲ تا ۵۸ تلاوت فرمودند و ترجمه کرده گفتند، این از آیه استخلاف و در آیه استخلاف خداوند متعال به مومنان وعده داده است که سلسله خلافت را جاری نگه خواهد داشت و در تمام این آیات به اطاعت و عمل به فرامین خدا و پیامبرش متوجه ساخته و گفته شده است که اگر این کار را بکنید آنگاه خداوند وعده دادن انعام خلافت را وفا خواهد نمود و حالت بیم و ترس را به امنیت تبدیل می کند و دشمنان را به کیفر کردارشان می رساند.

در اغلب مواقع این امر مشاهده می شود که به آن سطح اطاعت نمی رسیم که باید برسیم. چنانچه از اموری که طبق میل ما نیست، به فرمانی عمل هم بکنیم، با بددلی عمل می کنیم. آنچه در این آیات به دفعات متعددی به اطاعت از فرمان خدا و پیامبرش توصیه شده است و به همراه آن، وعده جاری نگهداشتن خلافت آمده است، با آن، گویی خداوند متعال می فرماید که نظام خلافت نیز بخشی از فرامین خداوند متعال و پیامبرش و نظام است لذا عمل به توصیه های خلافت نیز برایتان ضروری است چرا که این نیز یکی از فرامین خداوند متعال است.

منظره های این که صحابه در حیات خود چطور با میل قلبی نمونه های اطاعت را از خود نشان می دادند، به چشم می خورد؛ یک نمونه آن را تعریف می کنم .

در یک جنگی، مسئولیت رهبری و فرماندهی به حضرت خالد بن ولید رضی الله عنه سپرده شد اما حضرت عمر رضی الله عنه به دلیلی در حالی که جنگ در اوج خود بود، این مسئولیت

را به کسی دیگر واگذار کردند. زمانی که این دستور خلیفه وقت رسید که حال، مسئولیت فرماندهی جنگ را حضرت ابوعبیده به عهده خواهد گرفت و بایستی این مسئولیت به وی سپرده شود، حضرت ابوعبیده رضی الله عنه با این گمان که حضرت خالد بن ولید رضی الله عنه بسیار به خوبی دارد لشکر را رهبری می‌کند، از وی اختیارات را نگرفت اما حضرت خالد بن ولید [زمانی که متوجه این دستور شد] گفت: بلافاصله از من اختیارات فرماندهی را بگیرد زیرا این دستور خلیفه وقت است و من بدون هیچ شکایتی یا اینکه فکری در ذهن خود بکنم تحت فرماندهیتان به طور کامل از شما اطاعت خواهم کرد و هر طور که دستور دهید، کار خواهم کرد. این سطح اطاعت یک مومن باید باشد نه اینکه اگر دستوری خلافتان بیاید شروع به شکوه و شکایت کنید. اگر یکی از مسئولان نظام معطل شود و به جایش مسئولی دیگر منصوب گردد و آنگاه مسئول اول از همکاری دست بکشد؛ در آن صورت کسی که اینگونه عمل می‌کند، وی نه اطاعت دارد و نه بیم از خدا و نه تقوا.

متوجه شده‌ام که بعضی از صدران جماعت اینگونه‌اند که چون طبق قانون جدید در ماه ژوئن دوران خدمتشان به پایان می‌رسد لذا قبل از آن دست از کار کردن کشیده‌اند. آیا اینان فقط به این خاطر کار می‌کردند که ما به طور دائم مسئول می‌مانیم و مسئولیت‌هایی که باید در ماه مه و ژوئن انجام دهند به آن توجه نمی‌کنند. اولاً این طرز فکر در کار دینی خیانت است دوماً این طرز فکر سرکشانه است و امری است که آنها را از حیطة اطاعت خلافت بیرون می‌کند چرا که اکنون خلیفه وقت این قانون را تصویب نموده است که مدت مسئولیت صدر بالغ بر شش سال خواهد بود لذا اکنون دیگر ما با کمال میل کار نخواهیم کرد. پس، از این قبیل افراد باید تقوا پیشه کنند و از خدا بیم داشته باشند.

بنابراین، پس از بیعت متمرکز نمودن طرز فکر به سمت درست و نشان دادن نمونه‌های اطاعت کامل بی‌نهایت ضروری است. امام الزمان درباره معیار و سطح اطاعت بیعت کنندگان چه فرموده است، یکبار آن حضرت فرمودند: همان کسی وارد جماعتمان می‌شود که تعالیم ما را دستورالعمل خود می‌سازد و طبق همت و کوشش خود به آن عمل می‌کند اما کسی که

تنها در جماعت ما نام‌نویسی می‌کند و طبق تعالیم ما عمل نمی‌کند، وی باید به خاطر بسپرد که اراده‌ی خداوند متعال به این تعلق گرفته که این جماعت را جماعتی ویژه بسازد و آن کسی که در حقیقت عضو جماعت نیست، تنها با نوشتن نام خود در جماعت ما نمی‌تواند عضو جماعت ما بگردد. یعنی اگر حالت کردارش طبق تعالیم آن حضرت نیست در آن صورت تنها نوشتن نام بین اعضای جماعت است و حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام می‌فرمایند که در حقیقت به نظرم وی عضو جماعت نیست. آن حضرت می‌افزایند: بنابراین، تا جایی که ممکن باشد اعمال خود را با آن تعالیمی که داده می‌شود تطبیق دهید. و آن تعالیم این است، آن حضرت می‌فرمایند که سخن فتنه‌انگیز به زبان نیاورید، شر به پا نکنید، بر دشنام‌گویی صبر پیشه کنید و با کسی درنیفتید یعنی در امور بیهوده و عبث با دیگران مقابله نکنید، در این مقابله نکنید که الان فلان مسئول نظام منصوب شده است لذا من اطاعت نخواهم کرد یا اگر مرا معطل کردند، اطاعت نخواهم کرد. آن حضرت فرمودند: و کسی که با شما مخالفت کند با او نیز هم در امور روزمره و معمولی و هم در هنگام دعوا به نیکی و خوش‌رفتاری برخورد کنید، اگر کسی در امور بیهوده و عبث با شما دعوا کند از او اعراض کنید بلکه نه تنها اعراض کنید بلکه با او به نیکی رفتار نمایید. آن حضرت فرمودند که نمونه عالی شیرین بیانی را نشان دهید، به خوش‌اخلاقی سخن بگویید، زبان نرم را به کار ببرید، نمونه خوبی را نشان دهید، از هر دستور به صدق دل اطاعت کنید تا خداوند متعال راضی گردد و دشمن نیز بداند که پس از بیعت آن نیستید که قبل از بیعت بوده‌اید، در مراعات دادگاهی شهادت راستین دهید، کسی که وارد این جماعت می‌شود باید با همت کامل و تمام توان پایبند به راستی و صداقت باشد.

سپس خداوند متعال می‌فرماید که این مردم بسیار سوگندهای مؤکد می‌خورند که اگر تو دستوری دهی، این کار و آن کار را خواهند کرد ولی زمانی که دستور داده شود به آن عمل نمی‌کنند؛ به همین خاطر خداوند متعال فرموده است که زیاد قسم نخورید و ادعاهای بزرگ نکنید، اگر اطاعت معروف کنید، اطاعتی که در عرف عام اطاعت تلقی می‌شود، متوجه

خواهیم شد که شما به دستور عمل کرده‌اید و گرنه تنها ادعاهای زبانی است و خداوند متعال از اعمالتان آگاه است و از وضع دل‌هایتان نیز خبر دارد. و اطاعت عام این است که حق خداوند متعال را ادا کنید و او را به نحو خوبی عبادت کنید.

و با عمل به فرامین خدا حق‌بندگان را نیز ادا کنید و چنانکه حضرت مسیح موعود علیه السلام فرموده‌اند که همینک بیان کرده بودم که از هر نوع فتنه بپرهیزید و از هر نوع شر و دعوا و نزاع دوری کنید، اخلاق خویش را نیکو سازید، چنان اخلاق عالی پیشه کنید که تفاوت بین احمدی و غیر احمدی به صراحت به چشم بخورد، به صداقت همواره استوار بمانید، خلاصه اینکه عمل به تمام نیکی‌ها ضروری است و همین اطاعت معروف است و به همین خداوند متعال دستور داده است، به همین پیامبر خدا صلی الله علیه و سلم دستور داده‌اند و حضرت مسیح موعود علیه الصلوٰه والسلام نیز همین آرزوی خود را ابراز نموده‌اند و به اعضای جماعت دستور آن دادند و خلافت احمدیه نیز به همین امور متوجه می‌سازد؛ از ۱۱۱ سال گذشته از طرف خلافت درباره همین امور یادآوری و تذکر داده می‌شود و همچنین نه فقط در امور دینی و روحانی بلکه در امور مدیریتی نیز نمونه اطاعت کامل را از خود نشان دهید چنانکه حضرت خالد بن ولید نمونه خود را نشان دادند و وارد این نزاع نشوید که آن توصیه از زمره معروف هست یا نیست. آری، اگر سخنی خلاف دستورات قرآن شریف و حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم باشد، آن البته که غیر معروف است. آنچه ما در هنگام تعهد خود تکرار می‌کنیم که خلیفه وقت هر تصمیم معروفی که اتخاذ کنند، پایبندی به آن را ضروری خواهیم دانست، از آن هر کسی خودش شروع به تفسیر نکند که این تصمیم معروف است یا نیست. بنابراین، همواره باید این نکته را به خاطر سپرد که از طرف خلافت نیز در پیروی از خداوند متعال و پیامبرش صلی الله علیه و سلم طبق شریعت و سنت دستورات داده می‌شود و در آینده هم داده خواهد شد. خداوند متعال فرموده است که چنانچه اطاعت کنید، هدایت می‌یابید و گرنه غیر از آن هیچ راه رستگاری نیست.

سپس خداوند متعال می‌فرماید: به کسانی که از خداوند متعال و پیامبرش اطاعت می‌کنند، خداوند متعال این وعده داده است که خلافت را جاری نگه خواهد داشت. اعمال نیک تنها مال کسانی نیست که به عبادات بسیار توجه می‌کنند و عبادات خود را برای خدا خالص می‌کنند و از هر نوع شرک دوری می‌جویند. شرک فقط شرکِ ظاهری نیست بلکه امیال دنیوی و با پیروی از آنها دین را به درجهٔ دوم قرار دادن نیز حالتی از شرک است. بدون شک این نیکی‌های بزرگی است ولی در کنار آن اطاعت آن نیز بسیار ضروری است .

پس آنچه وعدهٔ برقراری خلافت داده شده است، اگر قرار است از فیض آن استفاده کنید در آن صورت نه تنها محافظت از عبادات خود ضروری است بلکه اجتناب از شرکِ خواسته‌های دنیوی نیز ضروری است، اطاعت کامل از خلیفهٔ وقت نیز ضروری است و گرنه از زمرهٔ نافرمانان شمرده می‌شوید چنانکه حضرت مسیح موعود علیه السلام فرموده‌اند که در این صورت از بیعت خارج می‌شوید. سپس خداوند متعال می‌فرماید که جماعت مومنین که به خلافت وصل می‌مانند، نمازها را به پا می‌دارند و به پا داشتن نمازها توجه می‌کنند و مساجد را آباد می‌کنند و زکات می‌دهند، اموال خود را تزکیه و پاک می‌گردانند، به خاطر خدا و پیامبرش و دینش فداکاری‌های مالی انجام می‌دهند و به فرامین حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم و سنت آن حضرت تا حد وسع خویش عمل می‌کنند، زمانی که این حالت می‌باشد آنگاه خداوند متعال بر این چنین بندگان رحم می‌کند. پس جهت جذب رحم الهی ضرورت دارد که حالات خود را بهتر بکنیم و زمانی که رحم خداوند متعال ما را در چادر رحمانیت و رحیمیت دربرگیرد آنگاه هر مکر و حيلهٔ دشمن به او بازگردانده می‌شود و وی به بدترین عاقبت خود خواهد رسید ان شاء الله. پس جهت جذب افضال الهی لازم است که خود را محاسبه کنیم که تا چه حدی در خود عنصر اطاعت را داریم، تا چه حدی به فرامین خداوند متعال عمل می‌کنیم، تا چه حدی داریم عبادات خود را به خوبی انجام می‌دهیم، تا چه حدی تلاش می‌کنیم که به سنت حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم عمل کنیم، سطح و معیار اطاعت‌مان چیست، این امور را خودمان باید دربارهٔ خویش بررسی کنیم.

حال، با ارجاع به حضرت مصلح موعود رضی الله عنه بعضی امور را تقدیم خواهیم کرد که ایشان در مواقع مختلف تعریف فرمودند که پس از وفات حضرت مسیح موعود علیه السلام جماعت احمدیه روبرو به چه اوضاع و شرایطی شد که همه را ناراحت و مضطرب می‌ساخت و سپس با برقراری خلافت اطمینان خاطر حاصل شد. و آن کسانی که بعداً پیغامی یا غیرمبایع خوانده شدند و از بیعت با خلافت دست کشیدند، آنان اوایل چطور فکر می‌کردند و پس از انتخاب خلیفه دوم چطور برخورد نمودند، افکارشان قبل از این انتخاب و بعد از آن چطور بود، علاوه بر این، پس از وفات حضرت مسیح موعود علیه الصلوٰه والسلام دشمن چقدر خوشحال بود ولی با انتخاب شدن حضرت خلیفه اول به عنوان خلیفه چقدر خجالت و شرمندگی خود را ابراز نمود و سپس پس از وفات حضرت خلیفه المسیح الاول دوباره در معاندان احمدیه این امید ایجاد شد که حال دیگر جماعت تکه تکه می‌شود اما باز خداوند متعال چطور از جماعت مومنین دستگیری نمود و چطور حالت بیم و ترسشان را تبدیل به امنیت خاطر نمود.

چنانکه قبلاً هم چند بار بیان کرده‌ام که در هنگام انتخاب خلافت پنجم، یکی از آخوندها گفت: تمام منظره‌ها را دیده‌ام و ظاهراً به نظر می‌رسد که شهادت تایید فعلی خداوند متعال با شماست ولی باز با دیدن این آیت هم به جای اینکه بپذیرند، بر حسدورزی و مخالفت و کینه می‌افزایند. به هر حال، خداوند متعال به جماعتی که وابسته به خلافت است، دارد ترقی و اعتلا می‌دهد و جماعت‌ها در جهان در حال گسترشند و مردم از نقاط دور و دراز جهان هم با خلافت رابطه وفاداری را برقرار کرده‌اند و در این رابطه دارند پیشرفت می‌کنند. خداوند متعال به کسانی که به خلافت و نظام جماعت وصل می‌شوند، هدایت و رهنمایی نیز می‌کند.

نیز بسیاری از مردم تعریف می‌کنند که چطور خداوند متعال به آنها توفیق داد که پس از گرویدن به احمدیه با خلافت ارادت قلبی پیدا کنند و چطور آن وضعشان را که در آن آنان بی‌نهایت مضطرب و ناراحت بودند، تبدیل به امنیت خاطر نمود. بنابراین، آن کسانی که به

خلافت وصل خواهند ماند و به فرامین خدا و پیامبرش عمل خواهند کرد، از نمازهای خود محافظت خواهند کرد، تزکیه نفس و تزکیه اموال خواهند کرد، در اطاعت نمونه عالی از خود نشان خواهند داد، آنان ان شاء الله وارث افضال الهی خواهند ماند. پس اکنون توسط خلافت احمدیه دنیا می تواند منظره امت واحده بودن را ببیند و بدون آن امکانپذیر نیست. پس جهت رسیدن به آن و تحصیل افضال الهی به طور دایم تک تک اعضای جماعت همواره باید دعا کند که خداوند متعال این فیض را همواره مستدام بدارد. باید به دعا و فضل خداوند متعال تمام جهان را به سمت اسلام بیاوریم و امت واحده را تشکیل دهیم و همه را زیر پرچم حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم در بیاوریم. خداوند متعال به همه ما توفیق آن دهد. در خطبه گذشته افتتاح این مسجد به عمل آمد ولی در آن ذکر کردن این مطلب را فراموش کردم که زمانی که بنیان این مسجد نهاده شده بود، من به سفر کانادا رفته بودم یا داشتم می رفتم و تاریخی که برای بنیانگذاری آن تعیین کرده بودند، متعلق به پس از رفتنم به سفر بود ولی به هر حال روی خشت آن من دعا کرده بودم و آن از من گرفته شده بود و بنیان این مسجد در 10 اکتبر 2016 به همراه دعاها، جناب عثمان چینی مرحوم نهاده بود و با بنیانگذاری این مسجد، ساخت و ساز تمام این برنامه هم شروع شده بود. پس این مسجد را جناب عثمان چینی بنیان نهاده بود و اینطور می توانیم بگوییم که به فضل خداوند متعال ملت چینی هم در این مسجد سهیم است لذا باید دعا کنیم که خداوند متعال توفیق دهد که به زودی در چین هم اسلام را گسترش بدهیم. باید در آنجا که برای ترفیع درجاتش دعا کنیم، برای ابلاغ پیام احمدیه و حقیقی اسلام در چین و هر کشور دیگر جهان بسیار زیاد دعا بکنیم. خداوند متعال توفیق آن بدهد.